

برای یک میلاد پر نور

از این مولود فرسخ پی هزارو چارصد سال است / زمین دور خودش می‌گردد و بسیار خوشحال است

فقط این جمله در تایید میلاد نبی کافی است / که شیطان از نزولش تا همیشه ناخوش احوال است

زمین و آسمان مکه طوری نور بارانند / که دیدار دوتاشان هم تماشا هست هم فال است

پریشان کرده ایران را به وقت آمدن این طفل / که خاموشی و خشکیدن در این اجلال، اقبال است

محمد یا امین یا مصطفی یا احمد و محمود / من آر گنگم جهان هم در بیان او کر و لال است

به پایش ریختند از نورها آن قدر از بالا / که سینه ریز خورشید این وسط ناچیز مثقال است

نگهبان دارد اسمش از پس و از پیش حتی او / برایش حضرت از پیش است و صَلَّوْاْ هَمْ بَه دَنْبَالِ اسْت

جهان را میزند برهم چنین اسمی که پایانش / به علم جَافِر، دست میم روی شانه‌ی دال است

به رخ در جاذبه لب دارد و در دافعه لَن را / که پایین لبش نقطه ست و بالای لبش خال است

اگرچه نیستم مثل قَرَن گرم اویس، / اما دلم از عشق تو مثل فلسطین است اشغال است

اگر امروز آغاز است بر دین خدا با تو / غدیر خم ولیکن روز تمام است و اکمال است

تَرَک برداشت ایوان مدائن پیش تو یعنی / که ایوان نجف بر مشکلات شیعه حلال است

هم اکنون مستم و این شعر تا روز جزا مست است / ملاک سنجش افراد، قطعاً سنجش حال است

به پایان آمد این ابیات، اما خوب میدانم / هنوز این شعر در وصف
محمد میوهی کال است

مهدی رحیمی